

يك فرمان فراموش نشدنی !

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك
وان لم تفعل فما بلغت رسالته ، والله يعصمك
من الناس . . . سورة مائده آیه ۷۱

ای پیغمبر ما، موضوعی را که بیشتر گفته ایم و در
تبلیغش از مردم چشم میزنی ! حتماً باید بگوئی
ورنه چنان است که اصولاً رسول مانیستی ، مطمئن
باش ، ما تو را از شر مردم نکه میداریم -

۱ - موضوعی روشن

۲ - مناسبت این اسم

۳ - فرمان صریح

۴ - گفته غزالی

۵ - از راه انتخابات

موضوعی روشن !

بسی خوشوقتم که برای نوشتن موضوعی قلم بدست گرفته ام که
قرنها مورد بحث و تحقیق بوده و باید گفت کوچکترین نقطه تاریکی
در آن وجود ندارد .

موضوعی که تمام اطراف و جوانب آنرا مردمی دانشمند و رجالی

کنجکاو بررسی کرده و در باره آن کتابها نوشته اند .
موضوعی که از اواخر عمر پیغمبر اسلام تا امروز ، یعنی نزدیک
چهارده قرن مورد گفتگو و تحقیق بوده و در هر عصر وزمانی نویسندگان
خطبا ، و شعرا در باره آن کتابها نوشته ، خطبه‌ها گفته ، و شعرهائی
سروده اند .

موضوعی که تمام دنیای اسلام از آن اطلاع داشته و هر کس اسم
اسلام و پیغمبر اسلام را شنیده و بتاریخ زندگی حضرتش آشنائی
مختصری داشته باشد از آن باخبر است .

این موضوع مسئله‌ای نیست که من اینجا بخوام با قلم و کاغذ در
باره آن بحث کنم ، بلکه خدای بزرگ در قرآن کریمش بالطف‌ترین
بیانی که قابل هیچگونه توجیه و تأویل نباشد دستور فرموده و پیشوای
عالی‌قدر اسلام در برابرده‌ها هزار نفر با صدای بلند و رسا اعلام داشته و گفتار
حضرتش دهن‌بدهن و کتاب بکتاب و قرن بقرن بما رسیده است .
ممکن است بگوئید : موضوعی که اینقدر روشن و بررسی شده
است دیگر جای بحث نداشته تا شما هم در باره آن چیزی بنویسید .

ولی باید عرض کنم گرچه مطلب همین طور است اما مناسبات
زمان و مقتضیات دیگری که در کار است ما را بنوشتن این سطور و امیدارد .
نشریه کتابخانه مسجد اعظم قم که سابقاً بمناسبت سالگرد
در گذشت مرحوم آیه الله العظمی آقای بروجردی منتشر میشد ، هم
اکنون بهمت مدیر محترم این مکتبه عمومی در حال توسعه ، و باسبک
جالب و تازه تری منتشر میگردد ، و چون روز انتشار این مجموعه سودمند
با روز فرخنده عید غدیر همزمان بوده ماهم بسهم خود چند سطر برسم

یادآوری از این روز بزرگ مینویسیم .



مناسبت این اسم ؟

منظور از کلمه غدیر معنی لغوی آن نیست گو اینکه بدون مناسبت هم این لغت بکار نرفته و چون نام آنجائی که این واقعه فراموش نشدنی در آن رخ داده غدیر بوده (۱) آن روز را هم که ۱۸ ذی حجه سنه ۱۱ هجری بود غدیر نامیده، و این عید سعید مذهبی را هم عید غدیر میگویند. پیغمبر اسلام ۲۳ سال با گذراندن کم‌ورانه‌های تند سیاسی و میدانهای گرم جنگ ، عقب افتاده‌ترین جمعیتها را در ردیف پیشرفته‌ترین ملت‌های دنیای روز خود در آورد ، و بزرگترین مکتب آسمانی و آخرین بر نامه الهی یعنی شریعت مقدس اسلام را بر حد کمال ، تبلیغ و ترویج نمود ، و فرموده حضرتش آنچه مایه سعادت و خوشبختی بوده دستور فرموده و آنچه موجبات شقاوت و آتش را فراهم میکند نپوشید . حالا چنین رهبری از میان چنین امتی باید برود . بحکم جبر آفرینش ، بحکم ناموس خلقت و اراده الهی شربت مرگ را باید بنوشد . رهبری که همه احتیاجات بشریت را برای همیشه دستور داده و دین خود را آخرین آئین میداند هنوز در باره يك موضوع مهم حیاتی جز با اشارات و کنایات ، بطور صریح و قاطع چیزی نگفته و میخواید از جهان بگذرد .

این موضوع مهم حیاتی چنان است که اگر صریحاً گفته نشده و با جمال بر گذار شود ، اختلافی عمیق و ریشه‌دار بوجود آمده و اساس

(۱) الغدیر موضع بالجحفة : غدیر نام محلی است در جحفه بین مکه و مدینه .

اسلام را ویران کرده و کار بجائی میرسد که گویا اصلا پیغمبری نیامده
و اسلامی در کار نبوده است .

این موضوع آنقدر مهم است که بسیاری بآن چشم دوخته و در
انتظارند تا از فرصتهای آینده استفاده کنند .

اهمیت این موضوع چنان است که حتی با تصریح هم بیم آن میرود
که اعتنا نکرده و کسانی باشند که باز دنبال نقشه‌های خود بروند و
به‌مین جهت بیان آن تا سال آخر عمر پیغمبر اکرم تقریباً مسکوت‌عنه
بوده و يك فرمان صریح و رسمی درباره آن از خدای تعالی نرسیده بود،
یعنی در طول زندگی ۲۳ ساله فقط گاه گاهی که مناسبتی دست میداد
با اشاره و کنایه و گاهی تصریح اما برای عده معدودی باین مسئله
توجه می‌فرمود (۱) .

این مسئله مهم حیاتی که خیلیها باو چشم دوخته بودند و رسول
خدا هم روی انتظارات آنها حساب میکرد و از تصریح خودداری می‌فرمود
این است که : پس از حضرتش چه کسی باید زمام امر را بدست گرفته
و جامعه اسلامی را رهبری کند؟ و اصولاً ملاک این رهبری و زمامداری
چیست؟ آیا ثروت و مکننت ، یا حیثیت و فامیل ، یا علم و فضیلت ؛ و یا
امر و نصب الهی است؟ .

هر کس بخاطر داشتن یکی از این جهات ، بآن روزی که باین
آرزو برسد چشم دوخته بود ، اما هنوز امر الهی بطور صریح در کار
نیست و معمولاً رسول خدا در کارها باتکاء امر الهی دستور فرموده و تکلیف
را روشن میکند . روزها و سالها گذشت تا در گذشت رسول خدا نزدیک

(۱) حدیث یوم الطعام ، حدیث طبر ؛ حدیث منزله و ...

شده آخرین سال عمر حضرتش فرا رسید . بفرمان الهی جمع فراوانی را آماده حج کرده و از نزدیک شعائر این عمل مقدس را برای آخرین بار عملاً بآنها آموخت مناسک پایان رسیده راه مدینه در پیش گرفته شد تا نزدیک هجلی که غدیر نام داشت رسیدند جبرئیل فرود آمده دستوری صریح و قاطع آورد که ترك یا تاخیرش امکان نداشته و تسامح در آن ، موقعیت رسالت حضرت را تهدید میکند ، اگر این فرمان و دستور باجرا گذاشته نشود گویا وظیفه مقام رسالت و پیغمبری را انجام نداده است، این چه فرمانی است ، که این قدر اهمیت دارد؟! آیا ممکن است مربوط بمسائلی باشد که با اهمیت تر و تندتر از آن را بارها فرموده است و در مبارزات ۲۳ ساله با فرق مختلف کفار در میان گذارده است؟! حتماً جواب منقی است .

فرمان الهی!

این فرمان میگوید : ای پیغمبر ما، موضوعی را که پیشنهاد کردیم مترس و بیان کن ما تو را از شر مردم ننگه داری میکنیم . آیا ممکن است از آن قبیل موضوعاتی باشد که حضرتش در طول این مدت بدون ترس و وا همه از مردم بیان فرموده؟! حتماً جواب منقی است .

اگر ، دنبال تفسیر و ترجمه طبیعی این آیه برویم خود بخود ما را بمسئله ولایت و خلافت علی عليه السلام خواهد رساند .

بدون تردید این آیه مبارکه از نظر سیاق هیچ ارتباطی به آیات قبل و بعد خود در سوره مائده ندارد چنان که در تفسیر المیزان کاملاً اثبات شده است .

حالا باید دید مطلبی که اگر گفته نشود چنان است که تمام آثار

تبلیغاتی حضرت در طول ۲۳ سال از بین رفته و گویا تبلیغی نکرده اند؟، موضوعی که حضرتش در گفتن آن از مردم چشم میزده است میتواند بیشتر از يك موضوع باشد؟ با آنکه تمام مطالب اسلامی بیان شده و چیز دیگری نمانده است .

آیا آن موضوعی که يك مطلب بیش نیست و ترك آن اساس اسلام را بمخاطره میاندازد و روی چشم داشت مردم هم حساب میشده است جز مسئله خلافت و ولایت و جانشینی ، چیز دیگر میتواند باشد؟

رسول خدا دستور فرمود همگی جمع و آماده شدند گویا موضوع تازه ای است باید ابلاغ گردد ، حضرتش بر بلندی قرار گرفت و آن خطبه مشروح و مفصل را که تمام فرق اسلامی و حتی مستشرقین هم ضبط کرده اند بیان فرمود تا رسید به مقصود اصلی از این داستان ، شخص مقدس علی عليه السلام را که همه میشناختند فراخوانده وی را به بلندی آورد و بهمراهش نشان داد و فرمود : من كنت مولاه فهذا علي مولاه

اللهم وال من والاه وعاد من عاداه . . . تاریخ جنگی
با این جملات تکلیف آخرین مسئله حیاتی اسلام روشن و همه انتظارات قطع شد تا پس از حضرتش اختلاف نبوده و دشمنان از این اختلاف استفاده نکرده و اسلام را ویران نکنند .

حضرتش فرود آمده مردم بعلی دست داده و تبریک گفتند و ابن خطاب دست حضرت را فشرده و بالبخندی گفت : **بخ بخ لك يا علي !**
به به تبریک میگویم یا علی ، تو بر من و بر هر زن و مرد مسلمانی مولا و آقا شدی .

این داستان در جامعه اسلامی چنان انتشار یافت که دیگر جای

هیچ شك و تردیدی نبود؛ این جمعیت فراوان که همگی از دولاب رسول خدا بطور صریح شنیدند و برای دیگر مسلمانان نقل کردند هیچ گونه شك و تردیدی را برای هیچ کس باقی نگذازدند.

متأسفانه بعد از رحلت پیغمبر اکرم چه شد؟ و چگونه علی و طرفدارانش را با داستان سقیفه در برابر عمل انجام شده قرار دادند و چنان وضعی بوجود آمد که اختلاف امت یعنی همان خطری را که رسول خدا میدید پی ریزی کرد و بهمین جهت علی علیه السلام سکوت را ترجیح داد. اینها بحثهایی است که بوقت دیگری باید حواله کرد، و داستان غدیر را باید از کتاب معروف (الغدیر) گرفته و حقایق را از دریچه تحقیق و مطالعات وسیع نویسنده بزرگ این کتاب مطالعه کرد.

گفته غزالی؟ کتابخانه مدرسه نبویه قم

ولی ما اینجایک تکه کوتاه ملز حجة الاسلام! محمد غزالی صاحب احیاء العلوم از کتاب سر العالمین نقل میکنیم.

او با اینکه یکی از بزرگان علمای سنت بوده جملاتی میگوید که ترجمه آنها بطور خلاصه چنین است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر نسبت به علی علیه السلام فرموده هر کس من مولا و پیشوای او هستم علی مولا و پیشوای او است بعد عمر پسر خطاب آمد و گفت: به به یا ابا-الحسن شما مولای من و هر مرد وزن مسلمانی شدی و این جمله از عمر دلیل رضا و موافقت و تسلیم و قبول موضوع است، بعدها هوای نفس و علاقه به ریاست و دست بیعت دادن توده ها، و جنبش در آمدن پرچمها، خفقان محیط و کثرت لشکر و فتح شهرها و امر و نهی آنها را واداشت که مخالفت کرده و گفته رسول خدا را پشت سر انداخته و آن گفتار با ارزش

را ببهای ناچیزی فروختند چه بدمعامله‌ای کردند!

از عمر که بگذریم ابو بکر هم بالای منبر پیغمبر گفت: از من صرف نظر کنید من بهترین افراد نیستم در حالیکه علی در بین اجتماع شما است حالا میپرسم، اوشوخی کرده یا جداً میگفت؟ شوخی در چنین مقامی معنی نداشته و اگر جدی گفته است تکلیف روشن است. از همه جالب‌تر داعیه خلافت بود که معاویه داشت در صورتیکه اومیدانست پیغمبر خدا فرموده است: هر گاه دو نفر خلیفه شدند دومی را باید کشت. گذشته از آنکه خلافت قابل تقسیم نیست زیرا حق است نه جسم و نه عرض جسم.

ما از این قبیل اعترافات در کلمات بزرگان منصف‌میبینیم و بنظر ما عالیترین کتابی که بحقیق این مسئله را ادا کرده کتاب معروف المراجعات است.

کتابخانه مدرسه نعبه قم

از راه انتخابات!

در پایان، گذشته از مسائل نقلی و روایات باب، اگر فرض کنیم (بنابه ادعای برادران اهل سنت) که حضرتش در این زمینه چیزی نقرموده و طبق آداب و رسوم دنیای روز يك زعیم و رهبری را باید انتخاب کرد، اگر انتخابات آزاد و صحیحی انجام بگیرد جز این است که بهترین و داناترین و شجاع‌ترین و پاکدامن‌ترین کاندیدها و بالاخره جامع‌ترین افراد از صندوق درمی‌آید.

و اگر دیدیم با بودن افضل و اعلی نام دیگری خوانده شد هر عاقلی میفهمد انتخابات بطور آزاد انجام نشده است زیرا انتخاب اصلح با اصطلاح علمی يك ناموس مسلم طبیعی است که انسان بدون توجه سراغ

احسن واصلح می‌رود .

این تناقض است که بگوئیم بعد از رسول خدا علی علیه السلام افضل تمام صحابه بوده و در عین حال مردم دیگری را انتخاب کردند زیرا مردم در محیط آزاد و شرایط آرام‌فیر ممکن است افضل را گذارده و سراغ دیگری بروند آری در محیط‌های اختناق و وحشت در شرایط تهدید و شکنجه مردم نمیتوانند رأی واقعی خود را ابراز داشته و ناچار میبینیم دیگری سراز صندوق در می‌آورد و کار به بن‌بستی میرسد که يك مرد دانشمند گرفتار این اشتباه بزرگ میشود که میگوید الحمد لله الذی فضل المغضول علی الفاضل شکر خدائی را که بدتر را به بهتر ترجیح داد یعنی ابن ابی قحافه جای علی نشست در صورتیکه در سراسر نظام خلقت این قانون طبیعی یعنی ترجیح اصلی و افضل بصورت يك ناموس ثابت کار میکند .

ما اینجا بحث را خاتمه داده و در فرصتهای آینده انشاء الله مسئله ولایت علی را از نظر عقل و نقل مورد بررسی قرار خواهیم داد .

از خواب گران خیز

این نکته گشاینده اسرار نهان است ملك است تن خاکی و دین روح و روان است
تن زنده و جان زنده زربط تن و جان است با خرقه و سجاده و شمشیر و سنان خیز

از خواب گران خواب گران خواب گران خیز

از خواب گران خیز اقبال پاکستانی،